

حق الزحمه حسابرسان و کیفیت حسابرسی

سید ابوالفضل برهانی سبزوار

کارشناس مسئول طرح و برنامه، گروه طرح و برنامه، دانشگاه فنی و حرفه‌ای، آموزشکده فنی دختران نیشابور، نیشابور، ایران.

نام نویسنده مسئول:

سید ابوالفضل برهانی سبزوار

چکیده

سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان قبل از تصمیم‌گیری برای تأمین مالی شرکت‌ها نیاز به آگاهی از وضعیت مالی آنها دارند و برای دستیابی به این آگاهی چاره‌ای جز استفاده از صورت‌های مالی شرکت‌ها که توسط مدیریت آنها تهیه شده است ندارند، اما با توجه به اینکه همواره خطر تحریف صورت‌های مالی توسط مدیریت برای جذب سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان وجود دارد، تأیید صورت‌های مالی ارائه شده توسط شخصی مستقل از شرکت ارائه دهنده صورت‌های مالی الزامی می‌باشد و از طرفی مدیران شرکت‌های سرمایه‌پذیر به‌منظور اطمینان بخشی به سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان مبنی بر عدم تحریف صورت‌های مالی تهیه شده نیز تمایل به استفاده از اظهارنظر شخصی که صلاحیت علمی و حرفه‌ای رسیدگی به صورت‌های مالی و اظهارنظر درخصوص آنها را داشته باشد دارند و این شخص کسی نیست بجز حسابرس مستقل که با بررسی صورت‌های مالی درخصوص قابلیت اعتماد و صحت آنها اظهارنظر می‌کند و در نتیجه ارزش افزوده اقتصادی را برای یک شرکت به وجود می‌آورد. با در نظر گرفتن اهمیت خدمات حسابرسی و عدم امکان مشاهده مستقیم کیفیت حسابرسی، پیدا کردن روشی اثربخش برای کنترل کیفیت حسابرسی، امری ضروری است. مهم‌ترین جنبه کنترل و مدیریت کیفیت حسابرسی را می‌توان حق الزحمه حسابرسی دانست. بنابراین هدف از این مقاله بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر حق الزحمه حسابران است. معیارهای کیفیت حسابرسی در این مقاله اندازه مؤسسه حسابرسی، تخصص حسابرس در صنعت و تداوم انتخاب حسابرس در نظر گرفته شده است.

واژگان کلیدی: اندازه مؤسسه حسابرسی _ تخصص حسابرس در صنعت _ حق الزحمه

حسابرسی _ کیفیت حسابرسی

مقدمه

به طور کلی هدف حسابرسان، حفاظت از منافع سهامداران در مقابل تحریفات و اشتباهات با اهمیت موجود در صورت های مالی است. حسابرسان به منظور حفظ اعتبار حرفه، شهرت حرفه ای خود و اجتناب از دعاوی قضایی علیه خود، به دنبال افزایش کیفیت حسابرسی هستند. در این میان انگیزه های مدیران در جهت اعمال منافع شخصی خود در کیفیت سود، مانع از رسیدن حسابرسان به اهداف خود می شوند. در مقابل حسابرسان می توانند با افزایش کیفیت حسابرسی، مدیریت سود صورت گرفته توسط مدیران را کشف کرده و مدیران را در اعمال مدیریت سود در تنگنا قرار دهند.

مشکلات نمایندگی در نتیجه تضاد منفعی که بین مدیران و سهامداران وجود دارد، ایجاد می شود. همچنین، همین تضاد منافع به نحو دیگری میان سهامداران کنترل کننده شرکت (سهامداران عمده) و سهامداران اقلیت نیز وجود دارد. وجود چنین تضاد منفعی باعث ایجاد مسائل و مشکلات نمایندگی و در نهایت منجر به هزینه های نمایندگی شده که به شرکت و ذینفعان آن منتقل می شود. در همین راستا، هزینه های نمایندگی ناشی از تلاش های مالکان برای کنترل مدیران، اغلب قابل توجه و با اهمیت است. از سوی دیگر مدیران نیز مایلند ثابت کنند که آنان نسبت به منافع سهامداران مسئول بوده و به دنبال افزایش ثروت سهامداران هستند (جنسن، ۱۹۸۶). مسئله وجود سهامداران کنترل کننده و حمایت از سهامداران جزء، به این دلیل بسیار مهم شده است که وجود تضاد منافع بین آنان، موجب ایجاد عدم اطمینان در بازار سرمایه خواهد شد. به نظر می رسد حسابرسی که یک حرفه مستقل و بخشی از سیستم نظارتی سهامداران شمرده می شود، وظیفه اعتباردهی به گزارش های مالی هیئت مدیره را دارد و به کمک آن می توان برای ذینفعان ایجاد اطمینان کرد (بن علی و لسیج، ۲۰۱۱). حق الزحمه خدمات حسابرسی شرط ضروری برای اطمینان نسبت به کیفیت حسابرسی است. اگرچه حق الزحمه بیشتر حسابرسی همیشه بیانگر هزینه حسابرسی با کیفیت بالاتر نیست اما، علاوه بر داشتن کیفیت حسابرسی مناسب، مؤسسات حسابرسی هزینه استناداری را برای انجام کار خود در نظر می گیرند که به طور طبیعی حق الزحمه دریافتی آنها بیشتر از این هزینه هاست. در صورت وجود رقابت در بازار، مؤسسات حسابرسی علاوه بر دریافت حق الزحمه کمتر ممکن است که صاحبکاران خود را نیز از دست بدهند. در صورتی هم که مؤسسات حسابرسی حق الزحمه خیلی بالاتری را نسبت به هزینه های صرف کرده برای انجام حسابرسی درخواست کنند، دیدگاه جامعه نسبت به کیفیت کار آنها با تردید همراه خواهد شد. با توجه به توضیحات فوق، مسأله اساسی در این پژوهش، بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر حق الزحمه حسابرسان است تا بتوان با کمک نتایج آن، مدیران و سرمایه گذاران را در ارزیابی حق الزحمه حسابرسی یاری کرد.

۱- مبانی نظری

حق الزحمه حسابرسان براساس بهای تمام شده خدمات بکار رفته در فرآیند حسابرسی بعلاوه تخمینی از زیان های آتی ناشی از مسئولیت حسابرسان در برابر گزارش صادر شده، تعیین خواهد شد. اجرای این فرآیند در سه مرحله انجام می شود. مرحله اول، ارزیابی حسابرسان از وقوع زیان آتی ناشی از قضاوت حسابرسان که در آینده یک ذینفع مثلاً سهامدار متحمل می شود. مرحله دوم، بکارگیری منابع در اجرای عملیات حسابرسی مثلاً نیروی انسانی تا اینکه منافع نهایی کاهش در ارزش فعلی زیان های مورد انتظار آتی ناشی از حسابرسی صورت های مالی برابر هزینه نهایی سرمایه گذاری اضافی حسابرسان باشد. در نهایت حسابرسان قیمتی را تعیین می کند تا اینکه هزینه حسابرسی را پوشش دهد. در این میان قضاوت حسابرسان نقش مهمی در تعیین قیمت دارد (استنلی، ۲۰۱۱).

با توجه به مقوله جدایی مالکیت از مدیریت، بحث حاکمیت شرکتی و همچنین تئوری های مطرح شده مرتبط با آن از قبیل تئوری نمایندگی، تئوری ذینفعان و دیگر تئوری ها، نیاز به رسیدگی و حسابرسی صورت های مالی شرکت ها کاملاً ضروری است. حسابرسی، برای صورت های مالی گزارش شده ارزش افزوده (مضاعف) فراهم می کند، زیرا نتایج بررسی مربوط بودن و قابلیت اتکای محتوای صورت های مالی را گزارش می دهد (حساس یگانه، ۱۳۸۴).

کیفیت کار مؤسسات حسابرسی از یکدیگر متفاوت می باشد و به طور مستقیم و با مشاهده مؤسسات نمی توان تشخیص داد که کدام موسسه از کیفیت کاری بالاتری برخوردار است (دیپوچ و سیمونیس^۱، ۱۹۸۰). بنابراین پژوهشگرها از جانشین هایی برای تمایز میان مؤسسات حسابرسی با کیفیت بالا از مؤسسات حسابرسی با کیفیت پایین استفاده می نمایند. اندازه مؤسسات حسابرسی، قدمت و نام تجاری (حسن شهرت)، میزان مراقبت حرفه ای حسابرسان و توانایی نظارت آن یعنی "دوره تصدی حسابرسان" نمونه ای از معیارهای متمایز کننده کیفیت مؤسسات حسابرسی می باشد. مهمترین شاخص کمی اندازه گیری کیفیت حسابرسان "اندازه حسابرسان" است که این دو با هم رابطه مستقیم دارند، به طوری که هرچه اندازه حسابرسان بزرگتر باشد، کیفیت حسابرسی هم بالاتر خواهد بود. پژوهشگرها معتقدند که مؤسسات حسابرسی بزرگتر، خدمات حسابرسی را با کیفیت بالاتری ارائه می کنند، زیرا علاقه مند هستند که شهرت بهتری در بازار کار به دست آورند و از آنجا که تعداد صاحبکارانشان زیاد است نگران از دست دادن آنها نمی باشند. تصور بر این است که چنین موسساتی به دلیل دسترسی به منابع و امکانات بیشتر برای آموزش حسابرسان خود و انجام آزمون های

مختلف، خدمات حسابرسی را با کیفیت بالاتری ارائه می‌کنند. به همین دلیل این نوع مؤسسات حسابرسی سعی می‌کنند کیفیت حسابرسی خود را در بالاترین سطح نگه دارند، در نتیجه اگر شرکت دارای هرگونه ایراد و تحریفی باشد، موسسه حسابرسی به سهولت از آن نخواهد گذشت و بر روی اظهار نظر حسابرسی تاثیرگذار خواهد بود (دی آنجلو^۲، ۱۹۸۱).

چنانچه کمیته مفاهیم بنیادی حسابرسی انجمن حسابداری امریکا (۱۹۷۳) بیان می‌کند، حسابرسی صورت‌های مالی به ابلاغ اولیه اطلاعات مالی از واحد گزارشگر به ذینفعان برون‌سازمانی ارزش اضافه می‌کند. این عمل با گزارش دادن درباره کیفیت اطلاعات گزارش شده به این افراد و سازمان انجام می‌شود. به بیان دیگر، حسابرسی برای صورت‌های مالی گزارش شده ارزش افزوده فراهم می‌کند، زیرا نتایج بررسی مربوط بودن و قابلیت اعتماد محتوای صورت‌های مالی را گزارش می‌دهد. همچنین حسابرسی قابلیت افزودن ارزش را به نقش کلی پاسخگویی بین هویت گزارشگر و افراد برون‌سازمانی دارد (حساس یگانه، ۱۳۸۴)

۱-۱- تخصص حسابرسی در صنعت

شواهد حاکی از آن است که حسابرسان متخصص صنعت، حسابرسی اثر بخش‌تری را ارائه می‌کنند و تغییرات ساختاری در شرکت‌های حسابرسی در جهت دستیابی به تخصص صنعت، حاکی از آن است که تخصص صنعت نقش مهمی را در کیفیت حسابرسی بازی می‌کند (سولومون و همکاران، ۱۹۹۹)

از جمله استراتژی‌هایی که در حال حاضر در مؤسسات حسابرسی برای افزایش سطح سودآوری به کار برده می‌شود، افزایش سطح تخصص در صنعت مشتری است. منظور از تخصص حسابرسی در یک صنعت، شامل خلق ایده‌های سازنده جهت کمک (خلق ارزش افزوده) به صاحبکاران، همچنین فراهم نمودن دیدگاه‌ها و راه‌کارهای تازه برای برخی از موضوع‌هایی است که صاحبکاران در صنایع مربوط به خود با آن مواجه می‌شوند (کند^۳، ۲۰۰۸). پورتر^۴ (۱۹۸۵) بیان می‌کند که یکی از سیاست‌های اصلی حسابرسی، افزایش توانایی‌های خود جهت تأمین نیازهای مختلف مشتری است تا از این طریق بتواند به سطح قابل قبولی از تمایز رقابتی نسبت به رقبای خود دست یابد و از این طریق برای خود، مشتریان انحصاری و در نهایت، رانت‌های اقتصادی ایجاد کند. افزایش سطح تخصص حسابرسی در صنعت مشتری، زمینه مناسبی را برای تأمین نیازهای مختلف مشتریان فراهم می‌کند و به حسابرسی اجازه می‌دهد تا استراتژی‌های متمایزی را برای ارائه خدمات به گروه وسیعی از مشتریان با ویژگی‌های مشابه ارائه کنند. فرگوسن و استاکز^۵ (۲۰۰۲) معتقدند که تخصص حسابرسی در صنعت باعث افزایش سهم بازار حسابرسی در صنعت هدف می‌شود، زیرا مشتریان خواستار خدمات تخصصی حسابرسان هستند. بنابراین، سهم بازار حسابرسی به‌عنوان یکی از نشانه‌های تخصص حسابرسی محسوب می‌شود و با مشاهده سهم نسبی بازار مؤسسات حسابرسی که به یک صنعت خاص خدمات ارائه می‌کنند، می‌توان به میزان دانش تخصص صنعت حسابرسی پی برد. میهو و ویلکینز^۶ (۲۰۰۳) بیان می‌کنند یک حسابرسی، زمانی متخصص است که بزرگترین سهم بازار را داشته‌باشد و یا سهم بازار آنها حداقل ۱۰ درصد بالاتر از سهم بزرگترین حسابرسی دوم باشد. آنها برای محاسبه سهم بازار از نسبت حق‌الزحمه مؤسسه حسابرسی نسبت به کل حق‌الزحمه‌های حسابرسی در یک صنعت بهره گرفتند. برای محاسبه سهم بازار معیارهای دیگری نیز مثل تعداد مشتریان در یک صنعت، تعداد صاحبکاران حسابرسی شده به‌وسیله حسابرسی و یا مجموع دارایی‌های تمام صاحبکاران یک حسابرسی به مجموع تمام دارایی‌های صاحبکاران در این صنعت وجود دارد.

نیل و رایل^۷ (۲۰۰۱) بیان می‌کنند مؤسسات حسابرسی که سهم بازار آنها معادل ۲۴ درصد کل بازار یا بیشتر باشد، متخصص محسوب می‌شوند.

۲-۱- اندازه مؤسسه حسابرسی

مهمترین شاخص کمی اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی، "اندازه حسابرسی" است که این دو با هم رابطه مستقیم دارند، به طوری که هرچه اندازه حسابرسی بزرگتر باشد، کیفیت حسابرسی هم بالاتر خواهد بود. منظور از اندازه حسابرسی، حسن شهرت حسابرسی (نام تجاری) است. در نتیجه حسن شهرت حسابرسی، اعتبار اطلاعات صورت‌های مالی افزایش یافته و لذا کیفیت حسابرسی بالاتر خواهد بود (تندلو و وانستران، ۲۰۰۸)

کیفیت کار مؤسسات حسابرسی‌کننده از یکدیگر متفاوت بوده و پژوهشگران از جانشین‌هایی برای تمایز میان مؤسسات حسابرسی با کیفیت بالا از مؤسسات حسابرسی با کیفیت پایین استفاده می‌نمایند. اندازه مؤسسات حسابرسی‌کننده، قدمت و نام تجاری مؤسسات، نمونه‌ای از معیارهای

2- DeAngelo

3- kend

4- Porter

5- Fergusen et al

6- Miho et al

7-Nill&Rayel

تمایز کننده می باشد. یعنی مؤسسات بزرگ تر و دارای نام تجاری مشهورتر نسبت به مؤسسات دیگر دارای کیفیت کاری بالاتری هستند (دی آنجلو^۸، ۱۹۸۱). اما در پژوهشی که توسط حساس یگانه و آدین فر (۱۳۸۹) انجام گرفت آنها موسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی را در زمره حسابرس کوچک و سازمان حسابرسی را به دلیل کارکنان زیاد و قدمت بیشتر در زمره حسابرس بزرگ قرار دادند. نتایج آنها خلاف این موضوع را ثابت کرد، آنها به این نتیجه رسیدند که بین اندازه حسابرس و کیفیت حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد و موسسات کوچک کیفیت حسابرسی بالاتری دارند و همچنین، موسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی از کیفیت حسابرسی بالاتری برخوردار هستند و در کشف تحریفات با اهمیت توانا تر هستند.

۳-۱- کیفیت حسابرسی:

حسابرسی به دلیل نقش بااهمیتی که در اعتباردهی به صورت های مالی دارد، همواره از جایگاه بالایی در بازارهای سرمایه و حرفه حسابداری برخوردار است. به موجب نقش بااهمیت حسابرسی، همواره این نگرانی وجود دارد که آیا کیفیت حسابرسی به حدی است که بتواند این نقش پرمخاطره را به خوبی اجرا کند؟ رسوایی های مالی شرکت های بزرگ، به سلب اعتماد عمومی نسبت به کیفیت گزارشگری مالی شرکت ها و عوامل ناظر بر آن، به ویژه کیفیت حسابرسی مستقل منجر شده است. در ایالات متحده آمریکا، در واکنش به این رسوایی ها و با هدف بازگرداندن اعتماد عمومی نسبت به صورت های مالی، قانون ساربینز - آکسلی^۹ به تصویب رسید که مفاد مندرج در بخش ۲۰۳ این قانون، گردش شرکای حسابرسی را اجباری کرده است و در بخش ۲۰۷ نیز بر لزوم اجرای پژوهش بیشتر روی مسئله گردش اجباری مؤسسه های حسابرسی تأکید شده است (چی، ۲۰۱۱).

کیفیت حسابرسی در اغلب پژوهش های تجربی انجام شده پیرامون کیفیت حسابرسی به نوعی در رابطه با ریسک حسابرسی تعریف شده است. ریسک حسابرسی آن ریسکی است که حسابرس درباره صورت های مالی حاوی تحریف با اهمیت، نظر نامعتبر ارائه کند. برای مثال، دی آنجلو ۱۹۸۱ کیفیت حسابرسی را به عنوان احتمال ارزیابی بازار از (الف) تحریف های بااهمیت موجود در صورت های مالی که توسط حسابرس کشف نشده است. و (ب) گزارش تحریف های مذکور، تعریف نموده است. اکثر تعاریف دیگر از کیفیت حسابرسی به رغم تفاوت ها، برخی از ویژگی های دی آنجلو را بازتاب می دهند.

مطالعات دوره تصدی حسابرس به بررسی این امر می پردازند که آیا مدت طولانی رابطه حسابرس - صاحبکار بر کیفیت حسابرسی تأثیر دارد یا خیر. علت و محرک این پژوهش ها نیز دعوت به تغییر اجباری یا اختیاری حسابرس می باشد. استدلالی که در جهت تغییر حسابرس عنوان می شود این است که دوره تصدی بلندمدت استقلال حسابرس را خدشه دار می کند. استدلال مخالف نیز این است که حسابرسان از انگیزه های اقتصادی قوی برای حفظ استقلال برخوردارند و سازوکارهای داخلی از قبیل چرخش پرسنل برای حفظ استقلال و تردید حرفه ای حسابرسان کافی می باشد (فرانسیس و همکاران^{۱۰}، ۲۰۰۴). همچنین استدلال می شود که دوره تصدی بلندمدت تر باعث آشنایی بیشتر حسابرس با عملیات تجاری و مسائل گزارشگری صاحبکار می شود و لذا کیفیت حسابرسی افزایش می یابد (حکیم و عمری^{۱۱}، ۲۰۱۰).

تعریف دی آنجلو، ویژگی انتقادی از درک تأثیر حسابرسی بر اطلاعات صورت های مالی را نشان می دهد. بیانیه مفاهیم بنیادی حسابرسی، به توانایی حسابرس برای کنترل کیفیت اطلاعات تولیدی یا اطمینان بخشی از مطابقت آنها با اصول پذیرفته شده حسابداری می پردازد. مطابق قسمت (الف) از تعریف دی آنجلو این امر به شایستگی حسابرس یا توانایی کشف تحریف با اهمیت مربوط می شود. قسمت (ب) از تعریف فوق، یعنی احتمال گزارشگری تحریف مذکور، موکول به استقلال حسابرس می باشد. از آنجا که تضاد منافع بین استفاده کنندگان و تهیه کنندگان اطلاعات منجر به افزایش تقاضا برای حسابرسی می شود؛ بنابراین استقلال باید ویژگی بنیادی حسابرسی باشد. درجه شایستگی (صلاحیت) و استقلال حسابرس به اجزای کیفیت حسابرسی وابسته است. نکته مهمی که در تعریف دی آنجلو وجود دارد این است که این تعریف در زمینه احتمالات ارزیابی شده بازار جای می گیرد. از این رو، این تعریف به درک بازار از این که آیا حسابرس عملیات حسابرسی را با شایستگی انجام داده و نیز میزان درک از استقلال حسابرس، وابسته است. دی آنجلو با معرفی مفهوم درک بازار از شایستگی (صلاحیت) و استقلال حسابرس به سمت تأکید بر اجزای کیفیت حسابرسی تغییر جهت می دهد.

حسن شهرت حسابرس بر دیدگاه استفاده کنندگان از مراقبت حرفه ای حسابرس استوار است، که این مطلب هم عموماً غیرقابل مشاهده است. همان طور که والاس بحث می کند، مراقبت حرفه ای حسابرس کیفیت اطلاعات را با بهبود مناسب، کاهش آلودگی و کاهش سوگیری اطلاعات تحت تأثیر قرار می دهد. این موضوع نشان می دهد که توانایی حسابرس برای ارائه اطلاعاتی درباره تفاوت بین شرایط اقتصادی گزارش شده صاحبکار و

8- Di Anjelo

9- Sarbanes-Oxley Act

10- Francis et al

11- Hakim Faten , Omri Mohamed Ali

شرایط اقتصادی غیرقابل مشاهده و درست صاحبکار کمینه می‌باشد. مهمتر از همه این که مراقبت حرفه‌ای حسابرسان باید با گزارش‌های مالی شرایط اقتصادی درست صاحبکار و کیفیت برتر اطلاعات ارتباط نزدیک‌تری داشته باشد. توانایی اثربخشی نظارت حسابرسان تحت تأثیر شایستگی و بی‌طرفی حسابرسان (در واقع استقلال حسابرسان) قرار دارد. حسن شهرت حسابرسان به درک بازار از شایستگی و بی‌طرفی (استقلال ظاهری) حسابرسان مرتبط می‌شود. این امر توانایی حسابرسان برای افزایش اعتبار صورت‌های مالی (حتی در فقدان اطلاعات با کیفیت) را نمایش می‌دهد. حسن شهرت احتمالاً به‌عنوان ویژگی اندازه مؤسسه حسابرسان است، در حقیقت توانایی نظارت حسابرسان می‌تواند با نوع قرارداد حسابرسان تغییر نماید. بنابراین همان‌طور که رسوایی‌های اخیر مانند رسوایی اندرسون اثبات کرده، حسن شهرت بالای حسابرسان در کوتاه‌مدت منجر به درک معتبر اطلاعات با کیفیت پایین گردد بنابراین در سطح خرد می‌تواند رابطه مبهمی بین کیفیت اطلاعات درک‌شده و توانایی نظارت حسابرسان وجود داشته باشد (حساس یگانه و قنبریان، ۱۳۸۵). به هر حال در تنظیم مجدد واقعیت اطلاعات افشا شده، انتظارات معقولی باید وجود داشته باشد.

پدیده قیمت گذاری کمتر از واقع در طول زمان پدیده‌ای فراگیر و پایدار بوده است (چانگ و همکاران، ۲۰۰۸). کیفیت حسابرسان ممکن است دو نقش در قیمت‌گذاری کمتر از واقع عرضه اولیه عمومی سهام بازی کند. اول این که حسابرسان با کیفیت ممکن است یک نقش آگاهی‌دهنده داشته باشند و اطلاعات دقیق‌تری به استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی مخابره کنند که نتیجه آن کاهش عدم اطمینان آتی برای سرمایه‌گذاران ناآگاه و به تبع آن کاهش قیمت‌گذاری کمتر از واقع است. دوم این که کیفیت حسابرسان ممکن است درباره ارزش شرکت در بازار عرضه اولیه علامت دهی کند و با ارزش بعد از عرضه شرکت رابطه مثبتی داشته باشد، به عبارتی باعث شود قیمت‌گذاری کمتر از واقع سهام افزایش یابد (همان منبع)

۴-۱- عوامل مؤثر بر حق الزحمه حسابرسان:

آشنایی با عوامل مؤثر بر حق الزحمه‌های حسابرسان هم برای حسابرسان، هم صاحبکاران آنها و هم اشخاصی اهمیت دارد که سیاست‌گذاری و قانونمندی در حرفه حسابرسان را دنبال می‌کنند (تنانی و نیکبخت، ۱۳۸۹).

حسابرسان با دانستن این عوامل می‌توانند خدمات خود را به شکل مناسبی قیمت‌گذاری کنند (گیست^{۱۲}، ۱۹۹۲). اهمیت این موضوع به خصوص در سال‌های اخیر و پس از تشکیل جامعه حسابرسان رسمی ایران در کشور ما بیشتر دیده می‌شود زیرا پس از تشکیل جامعه، انحصار بازار کار حسابرسان شکسته شده و رقابت شدیدی بین حسابرسان شکل گرفته است (رجبی و محمدی خشویی، ۱۳۸۷). در چنین شرایطی، حسابرسان موفق است که بتواند با توجه به ویژگی‌های واحد مورد رسیدگی، بهترین برآورد را از حق الزحمه خود داشته باشد تا ضمن حفظ کیفیت کار، آن را با حداقل هزینه انجام دهد (تنانی و نیکبخت، ۱۳۸۹).

در واقع، حسابرسان با اطلاع از این عوامل خواهند توانست معیارهای قابل اتکا و یکنواختی را بدست آورند که با تعهد به استفاده همه حسابرسان از آنها انسجام و نظم خاصی در حرفه از بابت حق الزحمه‌ها ایجاد خواهد شد. در این صورت، از لطامات وارده به حرف حسابرسان بدلیل نگاه بازاری به آن کاسته می‌شود (موسوی و داروغه حضرتی، ۱۳۹۰).

با رشد رقابت در حرفه، مؤسسات حسابرسان ضرورت ارائه خدمات با کیفیت هرچه بهتر و بهای کمتر به بازار را بیشتر دریافته‌اند. برای رقابت بر پایه‌ای به‌غیر از کیفیت و متفاوت کردن خدمات، مؤسسات حسابرسان به دنبال بهینه نمودن حق الزحمه خود و بهترین پیشنهادها برای آن هستند. بدین ترتیب که هم درآمد خود را حداکثر سازند و هم کار را در شرایط رقابتی از دست ندهند. به همین منظور، آگاهی از عوامل مؤثر بر حق الزحمه حسابرسان می‌تواند بسیار مفید باشد (چوی و همکاران^{۱۳}، ۲۰۰۸).

تعیین عوامل مؤثر بر هزینه حسابرسان به صاحبکار نیز کمک می‌کند منافع این خدمت را بهتر درک کند و بداند این هزینه را به خاطر چه چیزی متحمل می‌شود. بدیهی است آگاهی از این مسأله، موجب تسریع و تسهیل کار حسابرسان شده و به دلیل مشارکت صاحبکار، حسابرسان با کیفیت بالاتری انجام خواهد گرفت (گیست، ۱۹۹۲).

دنیای کسب و کار و حرفه‌ای امروز، دستخوش تحولات بسیاری گردیده است. جهانی شدن نه تنها به تجارت بلکه به حرفه‌های مختلف نیز تسری یافته است. این بدان معناست که تقاضا برای دقت نظر بیشتر نسبت به نتیجه کارهای حرفه‌ای و میزان هزینه آنها افزایش یافته است و دیگر نمی‌توان به سیستم‌ها و روش‌های سنتی اتکا نمود. طی سال‌های گذشته، با افزایش رقابت بین مؤسسات حسابرسان، این حرفه دستخوش تحولات زیادی گردیده است. رقابت حرفه‌ای رو به افزایش و فشارهای اقتصادی، عوامل مضاعفی است که صاحبکاران را به رابطه خدمات حسابرسان و حق الزحمه حسابرسان حساس نموده است (حساس یگانه و علوی طبری، ۱۳۸۲).

بهای کالا یا خدمات، قیمتی است که مصرف کننده برای استفاده از آن حاضر به پرداخت است اما در عمل این فرمول در کشورهای فاقد اقتصاد رقابتی، کارایی نداشته و قیمت را با انحصارات یا حداقل معیشتی تعیین می کنند (خدادادی و حاجی زاده، ۱۳۹۰).

در حال حاضر، از مناقشات اصلی حرفه حسابرسی، تعیین حداقل نرخ حق الزحمه حسابرسی و نرخ شکنی برخی مؤسسات حسابرسی است. با شناسایی عوامل مؤثر بر حق الزحمه دریافتی حسابرسی، می توان سیاست های مناسبی برای برخی از مسائل پیشروی این حرفه تدوین کرد (رجبی و محمدی خوشویی، ۱۳۸۷).

به نظر می رسد نقطه نهایی کار، ایجاد مدلی مثل مدل سایمونیک (۱۹۸۰) است که حق الزحمه حسابرسی را به شکل مناسبی در ایران تعیین کند به طوری که در آن حق الزحمه، تابعی از هزینه حسابرسی، ساعات کارکرد ضربدر نرخ بهای خدمات و صرف ریسکی است که حسابرس به خاطر خطر طرح دعاوی دادگاهی و زیان های آتی احتمالی صاحبکار در نظر می گیرد (تنانی و نیکبخت، ۱۳۸۹).

۲- پیشینه پژوهش

۲-۱- پیشینه داخلی

تنانی و نیکبخت (۱۳۸۹)، عوامل مؤثر بر حق الزحمه های حسابرسی را در بین شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۶ آزمون کرده اند. روش آماری در این تحقیق، تحلیل همبستگی از طریق روش تخمین داده های تلفیقی (پانل) بوده است. یافته های این تحقیق نشان داد متغیرهای حجم عملیات (اندازه) شرکت، پیچیدگی عملیات شرکت، نوع مؤسسه حسابرسی و تورم ارتباط معناداری با حق الزحمه حسابرسی دارند ولی متغیرهای ریسک حسابرسی و تحصیلات و تجربه مسئول تهیه کننده صورت های مالی با متغیر وابسته (حق الزحمه حسابرسی) فاقد ارتباط آماری بودند.

ناظمی اردکانی (۱۳۸۸)، به بررسی نقش تخصص صنعت حسابرس در مدیریت سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار پرداخته است. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که شرکت هایی که حسابرس آنها، متخصص صنعت می باشد، دارای سطح مدیریت اقلام تعهدی پایین تر و سطح بالاتر مدیریت واقعی سود نسبت به شرکت هایی که حسابرس آنها متخصص صنعت نمی باشد، هستند ولی عملکرد عملیاتی آتی آنها کاهش نمی یابد.

حساس یگانه و علوی طبری (۱۳۸۲)، رابطه بین منابع صرف شده برای حسابرسی داخلی و مخارج حسابرسی مستقل را بررسی کردند. هدف آنها شناسایی عوامل تعیین کننده حق الزحمه حسابرسی مستقل و داخلی، شناسایی تأثیر وجود حسابرسی داخلی در کاهش حق الزحمه حسابرسی بنگاه اقتصادی و بررسی اثربخشی افزایش سطوح مدیریتی که حسابرسان داخلی به آن گزارش می کنند در کیفیت کار حسابرسان داخلی و در نهایت مفید بودن آنان به عنوان جانشین حسابرسان مستقل می باشند. نتایج پژوهش نشان داد حق الزحمه حسابرسی مستقل با پیچیدگی بنگاه اقتصادی مرتبط است، افزایش منابع صرف شده برای بخش حسابرسی داخلی بنگاه موجب کاهش حق الزحمه حسابرسی مستقل می شود و این کاهش در بنگاه های اقتصادی بیشتر است که حسابرسان داخلی به سطوحی بالاتر از معاون مالی و اداری گزارش ارائه می کنند.

اعتمادی و همکاران (۱۳۸۸)، در پژوهشی رابطه بین تخصص صنعت و کیفیت حسابرسی را مورد آزمون قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که حسابرسان متخصص، حسابرسی با کیفیت تری را به صاحبکاران خود ارائه می دهند. بنابراین کیفیت افشاء در این شرکت ها در سطح بهتری قرار دارد. داروغه حضرتی و پهلوان (۱۳۹۱)، به این نتیجه رسیدند که بین کیفیت گزارشگری حسابرس و حق الزحمه وی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

حساس یگانه و جعفری (۱۳۸۹)، در پژوهشی به بررسی تأثیر چرخش مؤسسات حسابرسی بر کیفیت گزارش حسابرسی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق تهران پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش بیانگر این است که چرخش مؤسسات حسابرسی موجب افزایش کیفیت گزارش حسابرسی نمی شود.

پورحیدری و همکاران (۱۳۹۴)، به بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر روی هزینه حسابرسی و قیمت گذاری کمتر از واقع سهم در عرضه های اولیه سهام در بورس اوراق بهادار پرداختند و به این نتیجه رسیدند که مؤسسات حسابرسی بزرگ (مؤسسات با کیفیت تر) هزینه حسابرسی بیشتری نسبت به سایر مؤسسات دارند و کیفیت حسابرسی رابطه منفی و معناداری با قیمت گذاری کمتر از واقع در عرضه های اولیه سهام دارد.

خدادادی و حاجی زاده (۱۳۹۰)، با بررسی ارتباط بین تئوری نمایندگی و حق الزحمه حسابرسی مستقل به این نتیجه رسیدند که بین حق الزحمه حسابرسی و جریان های نقد آزاد، ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.

سجادی و زارعی (۱۳۸۶)، تأثیر ویژگی های مؤسسه حسابرسی و صاحبکار را بر حق الزحمه حسابرسی بررسی کردند. نتایج این پژوهش نشان داد تخصص صنعتی مؤسسه حسابرسی بر حق الزحمه حسابرسی تأثیر دارد، زیرا، حسابرسان متخصص، عملیات حسابرسی را در زمان کمتر و با اطمینان بیشتری انجام می دهند. بنابراین، کیفیت حسابرسی این دسته از مؤسسه ها بیشتر از دیگر مؤسسه های حسابرسی است.

۲-۲- پیشینه خارجی

فردیناند و همکاران^{۱۴} (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان تأثیر دوره تصدی حسابرسان و تخصص در صنعت حسابرسان بر روی کیفیت سود به این نتیجه رسیدند که هرگاه تخصص در صنعت حسابرسان پایین باشد، در آن صورت رابطه بین دوره تصدی حسابرسان طولانی تر و کیفیت بالاتر سود، قویتر خواهد بود و برعکس.

کریشنان^{۱۵} (۲۰۰۳)، به بررسی اثر تخصص صنعت حسابرسان بر روی سطح مدیریت سود پرداخت و به این نتیجه رسید که حسابرسان متخصص بیشتر از حسابرسان غیرمتخصص قادر به کشف مدیریت سود هستند و بنابراین، میزان تخصص حسابرسان بر سطح کیفیت سود تأثیر می‌گذارد. فرانسیس و یو میشل (۲۰۰۹) در تحقیق خود نشان دادند که موسسات حسابرسانی بزرگتر تمایل بیشتری برای ارائه گزارشات حسابرسانی باکیفیت‌تر دارند. همچنین این موسسات تمایل بیشتری برای صدور گزارشاتی با بند تداوم فعالیت دارند و نیز در صورت‌های مالی صاحبکاران چنین موسساتی، درجات کمتری از مدیریت سود مشاهده می‌شود. با این حال نتایج تحقیق حاکی از پایین بودن کیفیت گزارشات حسابرسانی صادر شده توسط سایر موسسات حسابرسانی (به جز چهار موسسه بزرگ) نبود.

چوی و همکاران^{۱۶} (۲۰۰۸)، با رشد رقابت در حرفه، مؤسسات حسابرسانی ضرورت ارائه خدمات با کیفیت هر چه بهتر و بهای کمتر به بازار را بیشتر دریافته‌اند. برای رقابت بر پایه‌ای به غیر از کیفیت و متفاوت کردن خدمات، مؤسسات حسابرسانی به دنبال بهینه نمودن حق الزحمه خود و بهترین پیشنهادها برای آن هستند. بدین ترتیب که هم درآمد خود را حداکثر سازند و هم کار را در شرایط رقابتی از دست ندهند. به همین منظور، آگاهی از عوامل مؤثر بر حق الزحمه حسابرسانی می‌تواند بسیار مفید باشد.

سو یونگ وون^{۱۷} (۲۰۱۰)، در مقاله خود تغییر مؤسسات حسابرسانی را به عنوان عاملی اثر بخش بر کیفیت حسابرسانی توصیه کرد. پژوهش وی با هدف بررسی تأثیر تغییر مؤسسات حسابرسانی بر ساعات کار حسابرسان، هزینه‌های حسابرسانی و کیفیت حسابرسانی صورت گرفته است. در این پژوهش وی به این نتیجه رسید که تغییر مؤسسات حسابرسانی سبب افزایش ساعات کار حسابرسانی و افزایش دستمزد حسابرسان می‌شود. همچنین کیفیت حسابرسانی، بدون تغییر، باقی مانده و حتی در برخی موارد کاهش یافته است.

مایرز و همکاران^{۱۸} (۲۰۰۳)، در پژوهشی نشان دادند که بالا بودن دوره تصدی‌گری حسابرسان موجب شناخت و تخصص حسابرسان در صنعت صاحبکار مربوطه می‌شود و هرچه دوره تصدی حسابرسان بیشتر باشد کیفیت و پایداری سود هم بیشتر می‌شود.

از نظر دان لی^{۱۹} (۲۰۱۰) حسابرسان در حسابرسانی‌های طولانی دچار یک نوع حس وفاداری می‌شوند و این به نوبه خود صلاحیت حسابرسان را برای انجام یک حسابرسانی با کیفیت و اثر بخش زیر سؤال می‌برد. همچنین وی با انجام پژوهشی در رابطه با طول مدت ارتباط حسابرسان- صاحبکار و ارتباط آن با گزارشگری محافظه کارانه به این نتیجه رسید که در شرکت‌های بزرگ و شرکت‌هایی که از سوی حسابرسان کنترل و مراقبت می‌شوند این ارتباط مثبت است، اما در مورد شرکت‌هایی که از سوی حسابرسان مراقبت شدید نمی‌شوند، این ارتباط منفی است.

14- Ferdinand AG et al

15- Krishnan

16- Choi

17- Su Young woon

18- Myers et al

19- Dan Li

۳- نتیجه گیری

عوامل مؤثر بر حق الزحمه حسابرسی از نظر تأثیر آن بر کیفیت حسابرسی، حائز اهمیت است. حق الزحمه حسابرسی در برنامه ریزی و اجرای مناسب و باکیفیت کار حسابرسی مالی مؤثر است. کیفیت پایین حسابرسی موجب کاهش اعتماد استفاده کنندگان صورت های مالی می شود و این امر نه تنها منجر به ناکامی از دستیابی به اهداف حسابرسی می شود، بلکه موجب کاهش اعتبار فرایند حسابرسی در ابعاد کلان خواهد شد و مانع از تخصیص بهینه سرمایه در بازار اوراق بهادار و افزایش هزینه سرمایه و تأمین مالی می شود (رجبی، ۱۳۸۳).

در کشور ما نحوه تعیین حق الزحمه های حسابرسی به معضل تبدیل شده و آشفتگی قیمت گذاری خدمات حسابرسی، موجب شده هیچ مبنای مشخصی برای تعیین حق الزحمه حسابرسی مالی وجود نداشته باشد و گاهی قضاوت های حرفه ای حسابرسان منجر به پیشنهادهای ضد و نقیضی گردد که تناسبی با یکدیگر ندارد (تنانی و نیکبخت، ۱۳۸۹).

۴- پیشنهادات

به مؤسسات حسابرسی پیشنهاد می شود:

- الف- به امور کنترل کیفی اهمیت داده و در صورت امکان، واحد کنترل کیفیت ایجاد کنند. این نیاز به معنای الزام حسابرسان به تشکیل مؤسسات بزرگ است که ضمن ایجاد قدرت بیشتر در کسب درآمد، امکان استخدام نیروی با تجربه و متخصص، صرف هزینه کمتر و بالابردن سطح کیفی کارها را داشته باشند.
- ب- مفهوم نظارت حرفه ای نیز مورد تجدیدنظر قرار گیرد و از شیوه های اثربخش تر استفاده شود و از جمله امتیازات کنترل کیفیت به اطلاع عموم برسد تا مؤسسات حسابرسی در اثر آن برای بهبود کیفیت تلاش کنند.
- ج- شرایطی فراهم شود (از طریق رتبه بندی و ...) تا مؤسسات حسابرسی دارای قدمت و حسن شهرت بالاتر، عهده دار انجام کارهایی شوند که از نظر اقتصادی حساسیت بیشتری دارند و طیف وسیع تری از جامعه را در بر می گیرند.
- د- باتوجه به اینکه استفاده کنندگان گزارش های مالی برای تصمیم گیری های خود چاره ای جز اتکا به گزارش حسابرسان ندارند، باید این اطمینان خاطر را داشته باشند که حسابرس در موقعیت های زیادی که منافع شخصی او در مقابل منافع عمومی قرار می گیرد، به دلیل درستکاری و بکارگیری ترکیب مناسب نیروی انسانی، نظر درست و منطقی ابراز می کند. بنابراین پیشنهاد می شود در این زمینه به آیین نامه سقف مجاز توجه شده و در انجام کارهای حسابرسی اجرا گردد.
- ه- همچنین جامعه حسابداران رسمی ایران به عنوان جامعه حرفه ای ناظر بر کار حسابرسان و نیز سایر مقامات تصمیم گیر در حوزه حسابرسی، با تأکید و توجه بیشتر به عوامل مؤثر بر حق الزحمه حسابرسی، به بالابردن سطح کیفی کار حسابرسان و در نتیجه سطح کیفی حسابرسی در کشور کمک کند.

منابع و مراجع

- [۱] اعتمادی، حسین؛ محمدی، امیر و ناظمی اردکانی، مهدی (۱۳۸۸)، "بررسی رابطه بین تخصص صنعت حسابرس و کیفیت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، پژوهش های حسابداری مالی، ۱، ص ۱۷-۳۲.
- [۲] پورحیدری، امید؛ صفی پور افشار، مجتبی؛ تله جردی، علی گودرز و صفی پور افشار، معصومه (۱۳۹۴)، "بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر هزینه حسابرسی و قیمت گذاری کمتر از واقع در عرضه های اولیه"، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، سال ۷، شماره ۲۶، ص ۵۱-۳۱.
- [۳] تنانی، محسن و نیکبخت، محمد رضا (۱۳۸۹)، "آزمون عوامل مؤثر بر حق الزحمه حسابرسی صورت های مالی"، پژوهش های حسابداری مالی، سال دوم، شماره دوم، شماره پیاپی (۴)، ص ۱۱۱ - ۱۳۲.
- [۴] حساس یگانه، یحیی. (۱۳۸۴)، فلسفه حسابرسی. چاپ اول، تهران: شرکت انتشارات علم ی و فرهنگی.
- [۵] حساس یگانه، یحیی و آذین فر، کاوه (۱۳۸۹)، "رابطه بین کیفیت حسابرسی و اندازه موسسه حسابرسی"، بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۷، شماره ۶۱، ص ۸۵-۹۸.
- [۶] حساس یگانه، یحیی و جعفری، ولی اله (۱۳۸۹)، "بررسی تأثیر چرخش مؤسسات حسابرسی بر کیفیت گزارش حسابرسی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، فصل نامه بورس اوراق بهادار، شماره ۹، ص ۲۵-۴۲.
- [۷] حساس یگانه، یحیی و علوی طبری، حسین (۱۳۸۲)، "رابطه بین منابع صرف شده بر روی حسابرسی داخلی و مخارج حسابرسی [۸] مستقل"، فصلنامه مطالعات حسابداری، سال اول، شماره ۴، ص ۷۲ - ۹۶.
- [۹] حساس یگانه، یحیی و قنبریان، رضا (۱۳۸۵)، "کیفیت حسابرسی از دیدگاه نظری و پژوهش های تجربی"، حسابدار رسمی، شماره ۸-۹، ص ۴-۳۹.
- [۱۰] خدادادی، ولی و حاجی زاده، سعید (۱۳۹۰)، "تئوری نمایندگی و حق الزحمه حسابرسی مستقل: آزمون فرضیه جریان های نقد آزاد"، پژوهش های تجربی حسابداری مالی، سال اول، شماره دوم، ص ۷۶-۹۲.
- [۱۱] داروغه حضرتی، فاطمه و پهلوان، زهرا (۱۳۹۱)، "رابطه بین کیفیت گزارش حسابرسی و حق الزحمه حسابرس در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، شماره ۱۴، ص ۲۴-۱۴.
- [۱۲] رجبی، روح اله (۱۳۸۳)، "عوامل مؤثر بر قدرت حرفه ای حسابرسی مستقل"، رساله دکتری حسابداری، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده مدیریت و حسابداری.
- [۱۳] رجبی، روح ا...، محمدی خوشویی، حمزه (۱۳۸۷)، "هزینه های نمایندگی و قیمت گذاری خدمات حسابرسی مستقل"، بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۵، شماره ۵۳، ص ۳۵-۵۲.
- [۱۴] سجادی، سید حسین و زارعی، رضا، (۱۳۸۶)، "تأثیر و ویژگی های موسسه حسابرسی و صاحبکار بر حق الزحمه حسابرسی"، بررسی های حسابداری و حسابرسی، پاییز، شماره ۴۹، ص ۶۷-۹۰.
- [۱۵] موسوی، سیدعلیرضا و داروغه حضرتی، فاطمه (۱۳۹۰)، "بررسی رابطه بین جریان نقد آزاد و حق الزحمه حسابرسی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله علمی و پژوهشی حسابداری سال سوم، شماره ۲، ص ۱۳۲-۱۱۱.
- [۱۶] ناظمی اردکانی، مهدی (۱۳۸۸)، "بررسی نقش تخصص صنعت حسابرس بر مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اقتصادی.
- [۱۷] واعظ، سیدعلی و احمدی، محمد رمضان (۱۳۹۳)، "تأثیر کیفیت حسابرسی بر حق الزحمه حسابرسی شرکت ها"، مجله علمی پژوهشی دانش حسابداری مالی، تابستان ۱۳۹۳، سال اول، شماره اول، ص ۸۷-۱۰۷.
- [18] Krishnan, G.V., (2003). "Does Big-6 auditor industry experience constrain earnings management?" *Accounting Horizons*, 17: 1-16.
- [19] Choi, J.-H., J.-B. Kim, X. Liu, and D. A. Simunic. (2008). Audit pricing, legal liability regimes, and Big 4 premiums: Theory and cross-country evidence. *Contemporary Accounting Research* 25 (1): 55-99.
- [20] Chang, X., Gyax, A. F., Oon, E., & Zhang, H. F. (2008). "Audit Quality, Auditor Compensation and Initial Public Offering Under pricing". *Accounting and Finance*, 48(3), 391-416.
- [21] Dan li. (2010). Does auditor tenure affect accounting conservatism? Further evidence. *J.Accounting. Public policy* 29, 226-241

- [22] Ferdinand AG, Simon Y, Jaggi B. Earnings quality: Some evidence on the role of auditor tenure and auditors' industry expertise. *Journal of Accounting and Economics* 2009; 47: 265-287.
- [23] Ferguson, A., and D. Stokes. (2002). "Brand name audit pricing, industry specialization and industry leadership premiums post Big 8 and Big 6 mergers" *Contemporary Accounting Research*, 19: 77-110
- [24] Francis J., R. La Fond, P., and. Schipper K. (2004). Costs of Equity and Earnings Attributes. *The Accounting Review*; 79: 967-1010.
- [25] Hakim Faten, Omri Mohamed Ali. (2010), "Quality of The External, Information Asymmetry, and Bid-Ask Spread: Case of The Listed Tunisian Firms" *.International Journal of Accounting and Information Management*; 18, PP. 5-18.
- [26] Jensen, M., (1986), Agency costs of FCF, corporate finance, and takeovers, *The American Economic Review* 76, 323-329.
- [27] Mayhew, B., and M. Wilkins. (2003). "Audit firm industry specialization as a differentiation strategy: Evidence from fees charged to firms going public" *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 22 (2): 33-52.
- [28] Neal, T. L., and R. R. Riley. (2001). "Audit specialist designations: measurement considerations" Working paper, University of Kentucky.
- [29] Porter, M. E. (1985). *Competitive Advantage: Creating and Sustaining Superior Performance*. New York, NY: Free Press.
- [30] Solomon, I., M.D. Shields, and O.R. Whittington. (1999). "What do industry-specialist auditors know?". *Journal of Accounting Research* 37 (Spring): 191-208.
- [31] Stanley Jonathan D. (2011) Is the Audit Fee Disclosure a Leading Indicator of Clients' Business Risk? *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, Vol. 30, No. 3, pp. 157- 179 .
- [32] Tendello, B. & Vanstraelen, A. (2008). "Earnings Management and Audit Quality in Europe: from the Private Client Segment", *European Accounting Review*, Vol. 17, No. 3, 447-469.
- [33] Myers, J. N., Myers, L. A., & Omer, T. C. (2003). "Exploring the Term of the Auditor-client Relationship and the Quality of Earnings: A Case for Mandatory Auditor Rotation?", *Accounting Review*, Vol. 78, 779-800.
- [34] Depouch, N&D, Simunic. (1980). "Competition in auditing; An assessment" In fourth symposium on auditing research; 401-405.
- [35] DeAngelo, L. E. 1981, Auditor size and audit quality, *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 3, pp. 183-99.
- [36] Francis, J. R & Yu, Michael. D ,2009, Big 4 Office Size and Audit Quality, *THE ACCOUNTING REVIEW American Accounting Association*, Vol. 84, No. 5, pp. 1521-1552.